

پروژه نساجی هنری بین فرهنگی. Roscommon. شبکه زنان (RWN)

Folktales & Plants from around the World, Shared in
County Roscommon: A Catalogue

های عامیانه و گیاهان از سراسر جهان، اشتراک‌گذاری شده‌استان
در شهرستان روسکومون



معرفی

این کتابچه کاتالوگی از داستان های عامیانه ای است که زنان این پروژه از کشورها و فرهنگ های خود آورده اند و داستان های

پشت تفسیر خلاقانه خود را که در اثر هنری مشاهده می کنید ارائه می دهد.

های عامیانه ارائه شده در این پروژه، داستان بزرگتری از مهاجرت جهانی تاریخی و امروزی داستان و ترکیب داستان های

مختلف را روایت می کنند. مانند مامی و اتا نیجریه که در سراسر دیاسپورای کارائیب آفریقا نیز جشن گرفته می شود یا داستان واگن

مسافر قدیمی که نمادی از فرهنگ غنی عشایری جامعه مسافرتی در اینجا در ایرلند است. این پروژه، با هم بافتن داستان های عامیانه

هنری و همچنین داستان های انسانی را جشن می گیرد.

زمینه

این پروژه از سپتامبر 2023 به مدت 9 ماه به طول انجامید، با جلسات ماهانه در مکان های مختلف در سراسر شهرستان

و همچنین Ballaghaderreen، Castlerea، Athleague و Monksland روسکومون از جمله جلسات هفتگی محلی

کوچکتر

پنجاه و شش زن از بیست ملیت/قومیت ساکن در شهرستان روسکومون در مراحل مختلف در طول این نه ماه در این پروژه شرکت

کردند، آنها ایرلند، مسافر ایرلندی، سوریه، الجزایر، نیجریه، فلسطین، آفریقای جنوبی، زیمبابوه، افغانستان، اریتره، کنیا، پاکستان

مراکش، انگلیس، برزیل، کنگو، آلمان، اسکاتلند، اوکراین و رم های اسلواکی. این پروژه شامل زنان مهاجر، زنان در حال حاضر در

سیستم پناهندگی، زنان مسافر ایرلندی و زنان ساکن ایرلندی بود. این پروژه به طور رسمی در هتل ابی در روز جمعه، 17 می

رونمایی شد 2024.

این جزوه به پنج زبان ترجمه شده است. انگلیسی، عربی، فارسی، تگزینیایی و پریان

تشکر ویژه از

مارگارت براونینگ، مری فرانسیس لوفتوس و تایس مونیز برای همه کمک هایشان در جنبه های خلاقانه این پروژه

برای کمکشان Galway Roscommon ETB از Shereen El Sabbagh و Darragh O Brien در زمینه ترجمه و

که با Ballaghaderreen در EROC پشتیبانی سازمانی، و همچنین کارکنان پذیرش در هتل مهربانی ما را پذیرفتند

عبیر فهد الحمود برای ترجمه عربی این کاتالوگ، سارا واعظی و شریفه موحدی زاده ، معصومه موحدی، حبیبه فروغ برای ترجمه

فارسی، آدیام تسفازگی، وینتا تسفازگی و ماسوما برای تیگرینیا (اریتره)

Flowers and Plants from around the World



The Protea - the flower of South Africa



White Jasmine - the flower of Syria



The Shamrock - the flower of Ireland



The Tulip - the flower of Afghanistan



The Orchid - the flower of Kenya



The Rose - the flower of England



The Gerbera Daisy -The flower of Eritrea



The Iris Tectorum - the flower of Algeria



Jasmine - the flower of Pakistan



The Flame Lily - the flower of Zimbabwe



The Rose - the flower of Morocco



The Yellow Trumpet - The flower of Nigeria



The Faqqa Iris - the flower of Palestine



The Tecoma Chrysostricha - the flower of Brazil

Folktales From Around the World

Shared in County Roscommon

Ireland

Irish Traveller

Syria

Algeria

Nigeria

Palestine

South Africa

Zimbabwe

Afghanistan

Eritrea

Kenya

Pakistan

Morocco

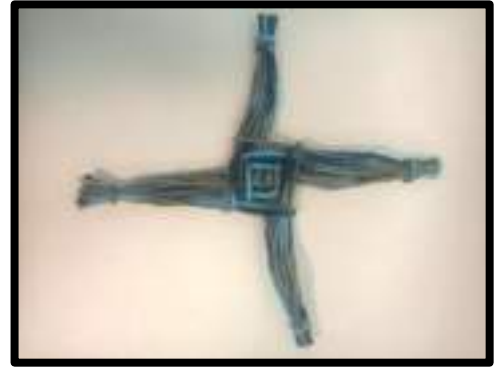
England

Brazil

Bríd – I Measc ár Scéalta (In the Centre of our Stories)

Brigid (nó Bríd as Gaeilge) has been celebrated on this island for many thousands of years. The 1st of February is celebrated as Lá Fhéile Bríde (Brigid's day) which is traditionally seen as the first day of Spring, a time of welcoming the new light and new life.

Brigid's crosses are traditionally made from rushes on the 1st of February and are hung above doorways to protect against fire, evil spirits and hunger.



The Brigid cross which symbolises Bríd herself is the centrepiece of this art piece of shared stories.



‘Women’s stories are as powerful, inspiring, and terrifying as the goddess herself. And in fact, these are the stories of the goddess. As women, we know her because we are her.’

ایرلند- ماهی قزل آلا دانش



ایرلند- ماهی قزل آلا دانش در رود خانه بوبین یک ماهی جادو به نام ماهی قزل آلا دانش وجود داشت. می گفتند اولین کسی که گوشتش را می چشد از همه مردم عاقل تر است. فینگاس شاعر بود که در نزدیکی رود خانه بوبین زندگی می کرد و در آنجا شعر می

خواند و می سرود. او یکی از خردمندترین مردان ایرلند بود. فینگاس هفت سال در تلاش برای صید ماهی بود اما شانس نداشت. یک جنگجوی جوان به نام فیون برای زندگی با فینگاس آمده بود.

فیون از افسانه ماهی سالمون دانمارکی بی خبر بود. وقتی فیون از فینگاس پرسید که چرا روزهایش را به ماهیگیری می گذراند، فینگاس فقط لبخند زد و پاسخی نداد. سپس یک صبح بهاری، فیون فریاد بلندی شنید. فینگاس ماهی قزل آلا صید کرده بود. ماهی زیبایی بود و بدنش مثل نقره می درخشید. فینگاس بلافاصله فهمید که ماهی قزل آلا دانش را صید کرده است. فینگاس پس از تلاش برای گرفتن ماهی خسته شده بود، بنابراین به فیون گفت آن را بیزد. فینگاس به فیون هشدار داد که ماهی را نخورد، حتی یک لقمه. فیون آتشی درست کرد و ماهی قزل آلا را با احتیاط پخت، اما وقتی آن را چرخاند، پوست داغ شستش را سوزاند. سریع شستش را در دهانش گذاشت تا دردش کم شود. وقتی فیون ماهی را نزد فینگاس آورد، شاعر فرزانه متوجه شد که چیز دیگری در مورد فیون وجود دارد. حکمت جدیدی در چشمان فیون وجود داشت. "آیا ماهی سالمون خوردی؟" فینگاس پرسید. فیون به



فینگاس گفت که نه، اما بعد پادش آمد که شستش را سوزانده و در دهانش گذاشته است. فینگاس فوراً فهمید که فیون اکنون حکمت ماهی قزل آلا دانش را دارد. فینگاس بسیار غمگین بود، او می دانست که هرگز عاقل ترین مرد ایرلند نخواهد بود، اما برای فیون خوشحال بود. بلافاصله پس از آن، فیون فینگاس را ترک کرد. فیون در ادامه به رهبر فیانا و بزرگترین جنگجویی که تا به حال شناخته بودند تبدیل شد.

مسافر ایرلندی - واگن مسافری قدیمی در فرهنگ مسافران ایرلندی

واگن مسافری قدیمی بسیار مهم است

ما را به عنوان شناسایی کرد"

مری مارگارت مک دونا گفت که دوران کودکی خود را به یاد می آورد که در دهه 1980 و 1990 با خانواده خود در جاده زندگی می کرد

جلوی واگن میله هایی برای اسب ها قرار دارد. یک قفسه و یک جعبه ماهیتابه در پشت برای نگهداری قابلمه و تابه و سایر وسایل در طول سفر تعبیه شده است. داخل آن تخت، پرس و اجاق گاز است. دودکش اجاق گاز همیشه در سمت راست بود، دور از لبه جاده که ممکن بود به شاخه های درخت برخورد کند. رنگ ها و طرح های زیبا

رنگ های پر جنب و جوش زرد، سبز و قرمز از محبوب ترین رنگ ها در واگن های بشکه ای بودند. الگوها و طرح ها قاب چوبی را می پوشانند

او می گوید: «پدران ما حلبی ساز بودند، به همین دلیل کنار جاده پارک می کردند و در جنگل به دنبال هیزم می گشتند تا آتش روشن کنند. "سپس غذا را در یک قابلمه فلزی روی آتش می پختیم. اغلب با غذای همسایه ها زنده می ماندیم. مادرم از چوب و ریسمان گل رز کاغذی و گیره لباس درست می کرد. آنها را در کنار آتش درست می کرد. کنار واگنی که به آن بسته می شد. این یک روش دوست داشتنی از زندگی بود که از "آب و هوا، بچه های کوچکتر با مادرم بودند و بچه های بزرگتر با پدرم". طریق نسل ها منتقل شد. خاطراتی که شما نگه می دارید، این روزهای سخت و بد اما روزهای خوب بود



علاءالدین و چراغ جادو

روزی روزگاری جوانی به نام علاءالدین وجود داشت. او در خانواده‌های فقیر زندگی میکرد، و یک روز، با عموی (خودخواه) به دنبال گنج در غاری رفت. عمویش از او خواست به ته غار برود و گنجها را بیاورد. علاءالدین ترسید و محافظ غار بسته شد. عموی علاءالدین سعی کرد دروازه را باز کند، اما ناموفق بود، بنابراین آن را ترک کرد و



نادیده گرفت. علاءالدین در غار به زندانیگری افتاد و در حین پیدا کردن راه خروج، یک چراغ بسیار قدیمی را مشاهده کرد. او چراغ را برداشت و آن را پاک کرد. در آن لحظه، چراغ تکان خورد و یک جنی عظیم ظاهر شد. جن از علاءالدین بابت آزاد کردنش از غار سپاسگزاری کرد و گفت:

"ابراکادابرا، من در خدمت شما هستم. چطور میتوانم کمکتان کنم؟" علاءالدین خواست که از زندانیگری در غار آزاد شود و این آرزو را بکند. در منطقیهای که علاءالدین زندگی میکرد، سلطانی بود که دختر زیبایی به نام یاسمن داشت. علاءالدین عاشق یاسمن بود، اما فکر میکرد که ازدواج با او غیرممکن است زیرا سلطان به دلیل فقرش این

ازدواج را خواهد کرد. علاءالدین به مادرش رفت و اتفاقات را به او گفت. بعد از آن، الدینالدین از جنی با او آشنا شد، خواست تا به او ثروتی بدهد که با یاسمن ازدواج کند، اما سلطان این ازدواج را قبول کرد. دختر او نامزد پسر وزیر بود. اما با کمک جن، می توانند یاسمن را متقاعد کنند که «پسر وزیر احمق است و او را رد کند». جن این کار را و مراسم ازدواج برگزار می شود، بنابراین علاءالدین خواست سلطان خواست با یاسمن کند و سلطان با شرطی ازدواج کند که علاءالدین برای خود و شاهزاده خانم یک قصر داد، و جن همین کار را انجام داد. علاءالدین با یاسمن ازدواج کرد و زندگی خوشبختی را در قصر شروع کرد. عموی علاءالدین شنید که او با یک چراغ جادو ثروتمند شد و به طور مخفیانه وارد زندگی علاءالدین شد، به عنوان یک فروشنده لامپ، و شاهزاده یاسمن را فریب داد و چراغ جادو را تعویض کرد. شاهزاده یاسمن ندانست که این چراغ جادویی است و علاءالدین نگران بود و به او تمام داستان را توضیح داد. بعد

از تفکر، علاءالدین به همان نقشه با عمویش پیروی کرد، زیرا نیت شیطانی او را میشناخت. او خود را مخفی کرد و او را فریب داد و چراغ جادو را بدون اطلاع او گرفت. تصمیم گرفت جنی که در آن زندگی میکرد را آزاد کند، اما برای خدمت به او به برخورد صادق و اخلاقیاش اراده داشت. علاءالدین با جادویی که از جنی دریافت کرده بود، همه کمک کرد و به یک قهرمان معروف و محبوب تبدیل شد. او با مادر و همسرش زندگی شادی داشت، برای ماجراجویی و عشق، و سعادت قلبهایشان را همیشه پر کرد ...



الجزایر - داستان فنک

فنک یکی از معروف ترین حیوانات الجزایر به حساب می آید. این یکی از کوچکترین انواع روباه است که در دشتی بنام صحرا زندگی می کند و با گوش های بسیار بزرگش متمایز از روباه می باشد. برخی معتقدند که فنک به هیچ وجه روباه نیست زیرا دارای عادات غیر عادی از جمله زندگی در دسته است در حالی که روباه ها به طور سنتی موجوداتی منفرد هستند.

فنک چند قرن پیش در آستانه انقراض بود زیرا به خاطر پوشش نرم ضخیمش شکار می شد. امروزه، فنک یک حیوان محافظت شده است و در نخبای طبیعی از جمله مناطقی در منطقه هوگر در الجزایر زندگی می کند.

این نمادی تاریخی است که فرهنگ جامعه الجزایر را با استواری و انسجام خود در مواقع ناملازمات بیان می کند. نام فنک اغلب در جوایز سینمایی و ورزشی استفاده می شود. جایزه طلایی فنک که برای سینمای عربی و حتی بین المللی برگزار می شود و حیوان ملی الجزایر



نیجریه - مامی واتا

روح آبی مامی واتا (آب مادر) دریائی، محافظ، اغواگر و خطرناک در نیجریه و همچنین در سراسر آفریقا و اقیانوس اطلس آفریقا جشن گرفته می شود. مامی واتا اغلب با سر و تنه یک زن و دم ماهی ظاهر می شود، روی زمین و آب فرهنگ و طبیعت. او می تواند به شکل یک پری دریایی آبی بومی آفریقایی وجود داشته باشد یا جنبه هایی از یک خدای هندو یا یک قدیس مسیحی را به خود بگیرد. مامی واتا به ویژه برای کارائیب های آفریقایی که از طریق کشتی های برده به کارائیب آورده شده اند بسیار مهم است. اعتقاد بر این است که تقریباً دو میلیون نفر از این سفر از طریق دریا جان سالم به در بردند و آنهایی که زنده ماندند، خشونت بردگی را تجربه کردند که شامل مجازات برای پرستش خدایان و الهه های آفریقایی بود.



مامی واتا به عنوان یک مادر آب، حافظ مادران و کودکان است و عبادت او باعث ایجاد حس قدرت و همچنین شناخت و احترام برای زنان به عنوان شفا دهنده و رهبر می شود. آب، جهان ما را با جهان دیگر، زندگی را با زندگی پس از مرگ مرتبط می کند. در میان آفریقایی هایی که در اقیانوس های وسیع پراکنده شده اند، این آبها نمادی از سفر نهایی به آفریقا و تمام آن اجداد دور و در عین حال زنده هستند. عبادت و دلجویی از مامی واتا توسط فدائیان برای شفای مشکلات جسمی و روحی، تأمین ثروت و کمک به آنها در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود در زندگی است.



فلسطین - درخت زیتون البداوی (قدیمی ترین درخت زیتون در جهان)

درخت زیتون البداوی یک درخت 5000 ساله است که در روستای الولاجه در بیت لحم در فلسطین اشغالی قرار دارد. گفته می شود که البداوی (عشایر) کهنسال ترین درخت زیتون در جهان است، به نام یک روستایی فلسطینی که بیش از 200 سال پیش زیر سایه آن می نشست، نامگذاری شده است.



تنه مادر، پیر، چروکیده و پهن، با قطری نه متری، بیست و دو تنه کوچکتر دیگر را که از ریشه آن جوانه زده اند، پشتیبانی می کند. پس از 5000 سال، درخت البداوی روی زمین استوار می نشیند، ابوعلی توسط خانواده اش به عنوان نگهبان نسل سوم درخت انتخاب شد، "زیبایی و اندازه این درخت واقعاً خاص است، ذهن را مجذوب خود می کند. زیباترین درخت فلسطین است." این درخت سالانه نیم تن زیتون تولید می

کرد و به دلیل قدمت آن، طعم و کیفیت روغن زیتونی که تولید می کند بهترین است.



آفریقای جنوبی - توکولوشه

توکولوشه موجودی کوچک و ترسناک از اساطیر زولو، خوسا و سوتو آفریقای جنوبی است.

این موجودات مخرب و بسیار خطرناک هستند. گفته می شود که آنها به اتاق خواب مردم می روند و انواع ویرانی را به بار می آورند - از ترساندن آنها تا خفه کردن آنها با انگشتان بلند و استخوانی خود. آنها طلسم

را به دور گردن خود می بندند، در برخی از مناطق آفریقای جنوبی اعتقاد بر این است که این جذابیت توکولوشه را برای بزرگسالان نامرئی می کند.

توکولوش موجوداتی هستند که توسط کسانی که توانایی های جادویی دارند (مانند جادوگران) احضار می شوند تا جامعه را ویران کنند. یکی از راه هایی که جادوگران می توانند آنها را مطیع نگه دارند این است که موهای اطراف چشمانشان را کوتاه کنند تا بتوانند ببینند و به آنها شیر دلمه داده شود.

اگر توکولوشه به وحشت خانواده یا جامعه ادامه دهد، یک سانگوما (دکتر جادوگر زولو) احضار میشود تا با استفاده از موتی، یک نوع جادوی سنتی که توسط سانگوما انجام میشود، منطقه و/یا خانه را جنگیری کند.



زیمبابوه - نیامینیامی

نیامینیامی محترم ترین خدای رودخانه مردم باتونگا (تونگا) است که در دره زامبزی زامبیا و زیمبابوه زندگی می کنند. او موجودی شبیه مار بزرگ است که تصور می شود سر ماهی روی بدن یک مار دارد

خدای رودخانه نیامینیامی نیروی اصلی در جامعه اطراف دره زامبزی است. اعتقاد بر این است که او دارای قدرت های ماوراء طبیعی است. مردم محلی ساکن دره قرن های متمادی بر این باور



بوده اند که تحت مراقبت خدای رودخانه شان هستند، که این او بود که تامین غذا و آب را تضمین می کرد و همچنین از آنها در مواقع مشکل محافظت می کرد

هنگامی که در اواخر دهه 1940 خبر برنامه سدسازی رودخانه زامبزی منتشر شد، مردم محلی باتونگا گفتند که خدای رودخانه (نیامینیامی) این را تایید نمی کند زیرا او با همسرش در بالای رودخانه در ساحل زامبیا زندگی می کرد و ساخت دیوار سد آنها را از هم جدا می کرد

بنابراین مردم معتقد بودند که او برای انتقام دیوار را خراب می کند

در اواخر دهه 1950، زمانی که ساخت و ساز سد آغاز شد، بدترین سیل هایی که تاکنون شناخته شده بود، پایه ها را شسته و باعث فروریختن بخشی از دیوار شد و در این روند، کارگران ساختمانی محلی و

ایتالیایی غرق شدند. دوباره، دو سال بعد، سیل های بدتری (در مقیاس هزار سال یک بار) اتفاق افتاد و سد خزان، پل دسترسی و دیوارهای موجود را ویران کرد. یازده کارگر ایتالیایی و محلی غرق شدند اجساد آنها پیدا نشد. مردم محلی بر این باور بودند که این دیوار رودخانه خدا نیامینیامی را خشمگین کرده است، آنها معتقدند هنگامی که او به زور به سمت بالای رودخانه رانده شده، باعث تخریب شد و در نتیجه با این حرکت انتقام خود را گرفته است



افغانستان-بودای بامیان

در بامیان، دره ای در مرکز افغانستان، دو مجسمه غول پیکر بودا در قرن ششم پس از میلاد ساخته شد. آنها که مستقیماً از صخره ماسه سنگی بیرون آمده بودند، به ترتیب 35 متر و 53 متر قد داشتند که آنها را به بزرگترین مجسمه های ایستاده بودا در جهان تبدیل کرد. بوداهای بامیان نمونه های شگفت انگیزی از ترکیب التقاطی تأثیرات فرهنگی بودند که مشخصه باختری ها بود - بوداها هندی بودند، اما لباس یونانی می پوشیدند.

بودیسم در قرن چهارم قبل از میلاد به افغانستان معرفی شد و در دوران امپراتوری کوشان شکوفا شد. در آن زمان بامیان مرکز راه های ارتباطی هند، آسیای میانه و چین بود.

Xuanzang از صومعه های ساخته شده در اینجا، نفوذ بودایی بسیار گسترده است. یک زائر چینی به نام که در سال 630 پس از میلاد از بامیان بازدید کرد، خاطرنشان کرد که دو مجسمه عظیم بودا "با طلا و جواهرات زیبا آراسته شده اند".

این مجسمه ها توسط دولت طالبان در مارس 2001 تخریب شد. آنها برای طالبان بودند



بت ها" و عصبانی بودند که جامعه جهانی بودجه " برای نگهداری مجسمه ها اختصاص داده است در حالی که خود افغان ها از گرسنگی می میرند. تخریب به صورت مرحله ای انجام شد

هفته ها طول کشید تا تکمیل شود. افکار عمومی در

سراسر جهان از این اقدام خرابکارانه فرهنگی خشمگین شد.

پیشنهاد های مختلفی برای بازسازی مجسمه ها، البته با روحیه بودا، ارائه شده است

می گفت: هیچ چیز در این دنیا ابدی نیست، همه چیز باید بگذرد

Bereket Mengasteab اریتره - لیبی (قلب من) توسط

برای اریتره با شور و شوق آواز می خواند که گویی وطنش یک وزیر Bereket Mengasteab جوان است. او با خواندن شروع می کند که چگونه دلش می خواهد ببرد و به سمت او برود

او» و با نوستالژی از مناطق مختلف کشورش که آرزویش را دارد تعریف می کند. این آهنگ در « روزهای سیاه مبارزات مسلحانه منتشر شد، زمانی که بسیاری از اریتره ای ها مانند او در تبعید زندگی می کردند. این مظهر اشتیاق برای خانه است که بسیاری در آن زمان احساس می کردند

. او اشتیاق خود را برای "او" با پرسیدن از او توصیف می کند که آیا می تواند نزد او بیاید یا او نزد مکان های زیادی را نام می برد که این "دختر" مورد علاقه اش بزرگ شده است و مناظر، طبیعت و مردمی را که در آنجا زندگی کرده اند و معشوقش را بزرگ کرده اند توصیف می کند



کنیا- سنگ گریه کاکامگا (سنگ گریه ایلسی)

برای همیشه ilesi ، که عمدتاً کشاورز و ماهیگیر هستند، سنگ گریه 131 فوت یا 40 متری Luhya Kakamega برای قبیله مقدس و بخشی مورد احترام زندگی روزمره آنها خواهد بود زیرا دارای قدرت های ماوراء طبیعی است. سنگ محل تشریفات، شفا، حل و فصل، پاکسازی و قربانی است. قبیله لوحی معتقدند که وقتی سنگ گریه می کند، نشانه آن است که اتفاقات خوبی در شرف وقوع است. هنگامی که خشکسالی وجود دارد، لوحیا مراسمی را برای آوردن باران انجام می دهند.

افسانه لوحیا می گوید زنی شوهرش را به خاطر مردی دیگر ترک کرد و شوهر دلشکسته تا به امروز گریه اش را ترک نکرده است.



پاکستان-داستان انارکلی

امپراتور بزرگ مغول اکبر و همسرش مریم اوز-زمانی (جودا بال) صاحب پسری به نام شاهزاده سلیم (امپراتور بعدی جهانگیر) شدند. او را پسری لوس و بی ادب می دانستند. اکبر پسرش را به مدت چهارده سال به ارتش فرستاد تا نظم و انضباط لازم برای فرمانروایی امپراتوری را بیاموزد. سرانجام امپراتور اکبر به این پسر اجازه داد تا به کاخ اصلی در لاهور برود. از آنجایی که این روز یکی از جشن‌های بزرگ بود، حرمسرای اکبر تصمیم گرفت یک مجرا (اجرای رقص) بزرگ توسط زنی زیبا به نام نادیرا برگزار کند، زیرا او زیبا و قوی بود "تکه یک گل شکوفا بود، اکثیر او را انارکالی (انار شکفته) نامید.

شاهزاده سلیم و انارکال در طول اولین و معروف او در لاهور عاشق یکدیگر شدند. شاهزاده سلیم، پدرش، امپراتور اکبر، را از



قصدش به بسیاری از انارکال ها اطلاع داد و او را ملکه کرد. انارکلی علیرغم شهرتش در لاهور به عنوان یک رقصنده، از خون اصیل نبود و به همین دلیل امپراتور اکبر سلیم را از دیدن مجدد او منع کرد. امپراتور اکبر دستور دستگیری انارکال را داد و او را در یکی از سیاه چال های ژل لاهور گذاشت. شاهزاده سلیم به انارکلی کمک کرد تا فرار کند و امپراتور اکبر در حالت عصبانیت دو انتخاب به پسرش داد: یا 10 نفر انارکلی را به آنها تسلیم کند یا با مجازات اعدام روبرو شود، شاهزاده سلیم به دلیل عشقش به انارکلی مجازات اعدام را انتخاب کرد. اما

انارکل که نمی‌توانست اجازه دهد شاهزاده سلیم بمیرد، از مخفیگاه بیرون آمد و به امپراطور مغول آلبال نزدیک شد و از او پرسید که آیا او می‌تواند برای نجات شاهزاده سلیم جان خود را از دست بدهد و پس از موافقت اکبر، او را پذیرفت. فقط یک آرزو خواست و آن گذراندن یک شب دلپذیر با شاهزاده سلیم بود.

پس از شبی که با سلیم داشت، او با نگهبانان کاخ سلطنتی را ترک کرد. او را به منطقه‌ای نزدیک بازار انارکل امروزی در لاهور بردند، جایی که خندق بزرگ برای او درست کردند، او را به تخته‌ای چوبی بستند و سربازان امپراتور اکبر در آن فرود آوردند. بالای خندق بزرگ را با دیواری آجری بستند و او را بغل کردند.



مراکش - داستان شیر

شیر محبوب ترین نماد خانواده‌های اشرافی و معروف ترین حیوان است. این نماد شجاعت و سلطنت است و "پادشاه جانوران" در نظر گرفته می شود
شیر آلتاس بخشی از نشان پادشاهی مراکش شد که در سال 1957 به تصویب رسید و از یک سپر تشکیل شده است.

تاجی که توسط یک ستاره پنج پر که توسط دو شیر احاطه شده است. این حیوان در فرهنگ مراکشی جایگاه مهمی دارد، زیرا در گذشته قبایل به دلیل وفاداری به پادشاه و نشان دادن آن به پادشاه به شکار شیر و توله شیر می‌پرداختند



نگلستان - خرگوش سفید

در دهکده لیتل بردی (دورست، انگلستان)، یک گروه چهار نفره از کارگران مزرعه بودند که شب ها با سگ ها برای شکار حیوانات برای گرفتن غذا بیرون می رفتند. هنگامی که به شکار می رفتند، وسایل کشاورزی خود را در خانه پیرزنی رها می کردند.



در روستاهای محل عده ای بودند، مردمی مشکوک و کوچک فکر، که پیرزنان را جادوگر خطاب می کردند و او را مقصر همه بدبختی ها و بدبختی ها می دانستند. اما افراد دیگری از روستا بودند که مسیری را به درگاه او زدند. که در راز شب به او کمک کرد. و به همه کسانی که می آمدند، قبل از ارائه داروهای گیاهی یا کلمات شفابخش، با درک ملایم گوش داد. شکارچیان خود پیرزن ها را به ندرت می

دیدند، زیرا او اغلب در هنگام غروب بیرون بود، اما از او سپاسگزار بودند و اغلب به خاطر مراقبت از ابزارهایشان، یک قرص نان جو برای او می گذاشتند.

یک روز غروب، در حالی که مردان در حال شکار بودند، نگاهی اجمالی به موجودی اسرارآمیز و جادویی گرفتند - یک خرگوش سفید خالص که بر فراز یک زمین باز در حال مسابقه دادن بود قبل از اینکه به دره بیفتد و در لاشه درختان ناپدید شود. آنها می خواستند این موجود جذاب را بگیرند، اما هرگز به آنها نزدیک نشدند - او برای شکارچیان خیلی حیله گر بود و برای سگ های آنها خیلی سریع بود که خرگوش سفید را بگیرند و به یک وسواس برای مردان تبدیل شد و یک شب آنها تقریباً موفق شدند. آنها خرگوش سفید را در گوشه ای انداختند و سگ ها او را به اطراف پرتاب کردند و گاز گرفتند اما همچنان توانست فرار کند.

هنگامی که مردان برای جمع آوری ابزار خود رفتند، متوجه شدند پیرزنی در کلبه خود روی زمین دراز کشیده بود که به شدت مجروح شده بود و لباس هایش پاره و خون آلود بود. بیشتر مردها با ترس و احساس گناه به سرعت رفتند، اما یکی از آنها پیرزن را می بندد و به سلامتی او کمک می کند. مردانی که از این تجربه تنبیه شده بودند، قول دادند که دیگر هرگز خرگوش سفید را شکار نکنند.



(در آمریکای لاتین یا Oya/lansã: یوروبا) - پرزیل - Oya/lansã

کیا - که در دیاسپورای آفریقایی یانسان یا لانسا نیز نامیده می‌شود - یک خدای جنگجوی برجسته (اوریشا) در اساطیر یوروبا است که به عنوان الهه بادهای، رعد و برق و طوفان‌های سهمگین شناخته می‌شود (من فکر می‌کنم کیا عاشق ایرلند است!). او الهه خشن و قدرتمند باروری، مرگ و تولد دوباره است

دروازه بان بین جهانیان و مسئول هدایت ارواح مردگان به آخرت. او یا با تغییر، دگرگونی و تخریب همراه است، بلکه با شجاعت، قدرت و رهبری نیز همراه است. اغلب از او خواسته می‌شود تا به مردم کمک کند تا بر موانع غلبه کنند، در گذارهای دشوار عبور کنند و شروع‌های جدید را در آغوش بگیرند (معادل سلنتیک او بریژیت است)



The Journey









Reference list

Flowers & Plants

Kenya - https://img.freepik.com/premium-photo/pink-orchids-white-background_120872-13192.jpg

Syria -

https://t4.ftcdn.net/jpg/02/12/24/41/360_F_212244164_KTOnWTFEdRJUtcGsW2qAno3ZsdOi0vIB.jpg

South Africa -

<https://i.pinimg.com/736x/b1/9a/de/b19ade03820144a18c42d79dd1b2ff42.jpg>

England - https://cdn.pixabay.com/photo/2017/01/16/21/45/rose-1985376_1280.jpg

Ireland -

https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/f6/Irish_clover.svg/1200px-Irish_clover.svg.png

Afghanistan -

https://s1.1zoom.me/big0/883/Tulips_Closeup_White_background_Red_539361_1280x853.jpg

Eritrea - https://petaljet.com/cdn/shop/products/gerbera-gerber-daisy-jumbo-dune-orange-black-eye-flower-1_2000x.jpg?v=1585600715

Algeria - <https://i.pinimg.com/736x/6d/84/8a/6d848a2bad14b195d71ccb7e22025a0f.jpg>

Pakistan -

https://t4.ftcdn.net/jpg/02/12/24/41/360_F_212244164_KTOnWTFEdRJUtcGsW2qAno3ZsdOi0vIB.jpg

South Africa - https://img.freepik.com/premium-photo/flame-lily-fire-lily-gloriosa-superba-flower-isolated-white-background-with-clipping-path_256160-351.jpg

Morocco - https://cdn.pixabay.com/photo/2017/01/16/21/45/rose-1985376_1280.jpg

Nigeria - https://img.freepik.com/premium-photo/yellow-trumpet-flower-tecoma-stans-yellow-flowers-isolated-white-background-with-clipping-path_256160-463.jpg

Palestine - <https://mobileimages.lowes.com/productimages/f991c68b-2d39-4995-b5f0-3de1da197ac5/11090580.jpg>

Brazil -

https://t4.ftcdn.net/jpg/04/91/00/51/360_F_491005169_LOhYsSDlkZ8JSyUjhfFGImqwmq5Nk3wr.jpg

Folk stories

- Brigid - <https://www.herstory.ie/who-was-brigid>
1. Ireland - <https://eu.recordonline.com/story/lifestyle/2010/03/15/tell-me-story-salmon-knowledge/51675655007/> , <http://www.irelandsmythsandlegends.com/the-salmon-of-knowledge>
 2. Irish traveller - <https://www.99traveltips.com/travel-tips/irish-travellers/> , <https://www.museum.ie/en-IE/Collections-Research/Collection/Traveller-Culture/Artefact/Model-barrel-top-wagon/4182c014-f4ca-45b3-bfb8-87f4991de87c>
 3. Syria - <https://reactormag.com/a-fairy-tale-of-dubious-origin-aladdin-and-the-wonderful-lamp/>
 4. Algeria - <https://encyclopedia.pub/entry/56002>
 5. Nigeria – <https://www.aawiccan.org/mami-wata>
<https://africa.si.edu/exhibits/mamiwata/sisters.html>, <https://www.nms.ac.uk/explore-our-collections/stories/scottish-history-and-archaeology/scotland-and-the-caribbean/dive-in/mami-wata/>
 6. Palestine - <https://truthout.org/articles/the-story-of-palestines-colonization-and-resistance-is-embodied-in-the-trees/> , <https://www.middleeasteye.net/discover/tree-trust-meet-man-guarding-palestines-oldest-olive-tree> , <https://thisweekinpalestine.com/the-ancient-olive-tree/>
<https://ibrahimaloua.medium.com/the-oldest-olive-trees-f75a09e53615>
 7. South Africa - <https://astonishinglegends.com/astonishing-legends/2019/2/16/the-tokoloshe>
<https://www.mindtosucceed.com/fear-of-rejection-phobia.html>
 8. Zimbabwe - <https://zimfieldguide.com/mashonaland-west/nyaminyami-zambezi-river-god>
<https://victoriafallshq.com/nyami-nyami/>
 9. Afghanistan - <http://ringmar.net/irhistorynew/index.php/welcome/introduction-5/3-1-vedic-india/classical-india/3-3-indianization/the-buddhas-of-bamiyan/>
https://www.drishtiias.com/daily-news-analysis/bamiyan-buddhas/print_manually
 10. Eritrea - <https://www.britannica.com/place/Eritrea/Religion>
 11. Kenya - <https://www.theafricangourmet.com/2015/07/weeping-for-thousands-of-years-crying.html> <https://paukwa.or.ke/of-cultural-ties-to-the-crying-stone/>
 12. Pakistan – <https://www.ideasbeat.com/anarkali.html> , <https://priyachaudhary.com/blog/how-anarkali-suit-became-famous>
 13. Morocco – <https://www.hypermoroccotours.com/2023/01/atlas-lions.html>,
https://en.wikipedia.org/wiki/Barbary_lion
 14. England - <https://philipstrange.wordpress.com/tag/white-hare/>, <https://dorset-nl.org.uk/the-white-hare/> <https://dorset-nl.org.uk/the-white-hare/>
 15. Brazil
-



A Project by Roscommon Women's Network (RWN) / Women's Collective Ireland (WCI) Roscommon, Roscommon County Council and the Department of Children, Equality, Disability, Integration and Youth (DCEDIY)



Women's
Collective
Ireland



Comhairle Contae
Ros Comáin
Roscommon
County Council



An Roinn Leanaí, Comhionannais,
Míchumais, Lánpháirtíochta agus Óige
Department of Children, Equality,
Disability, Integration and Youth